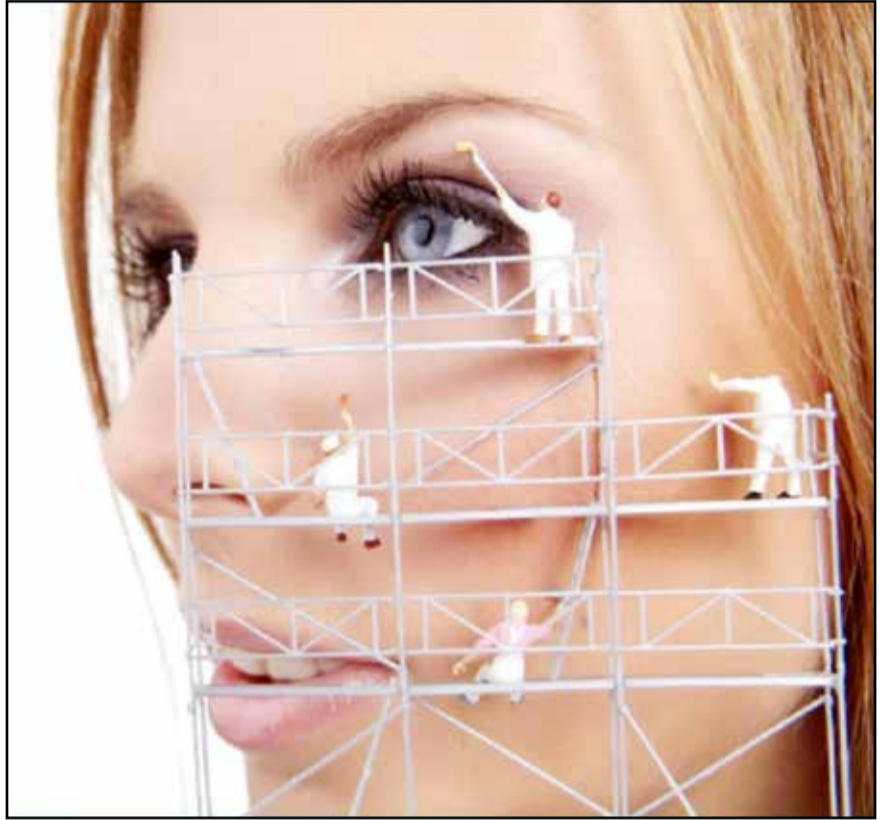


لزوم مشاوره روانی پیش از هر عمل زیبایی؛

پیر نشو لعنتی!

با این که از آغاز شکل نوین جراحی پلاستیک در ایران بیش از چند دهه نمی‌گذرد، اما به دلیل تحولات سریع و گسترده‌ای که در این علم و امکانات آن به وجود آمده، این رشته به یکی از شاخه‌های فوق تخصصی مطرح علم پزشکی و جراحی کشور تبدیل شده است. امروز ایران یکی از کشورهای است که عمل‌های جراحی زیبایی در آن، طرفداران زیادی پیدا کرده، اما به دلیل آن که بخش قابل توجهی از متقاضیان در مطب‌ها و در مانگاه‌ها تحت عمل جراحی قرار گرفته و ثبت و گزارش نمی‌شوند، آمار دقیقی از این اعمال در دست نیست. اما تخمین زده می‌شود که به طور متوسط روزانه ۳۰۰ جراحی زیبایی بینی در تهران انجام می‌شود. یک آمار دیگر اما خبر از ماهانه ۲۰ هزار جراحی زیبایی می‌دهد.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

اوج می‌گیرد که سینما و تلویزیون با نمایش هنر پیشه‌ها به عنوان معیارها و الگوهای زیبایی و تناسب، ذهن مردم را تسخیر می‌کنند. در واقع با آغاز سینما، پزشکی وارد عرصه صنعت‌گری می‌شود و از شور و شوق مردم برای شبیه شدن به سلبریتی‌ها، سود فراوان می‌برد و البته پیشرفت‌های بسیاری نیز در این زمینه اتفاق می‌افتد که گاه برای ترمیم افراد آسیب‌دیده بسیار کارآمد است.

تغییر مداوم

متر و معیارهای زیبایی

ژولیبوس سزار با معیارهای امروز مرد خوش‌چهره‌ای نبود، به خصوص با آن بینی عقاب‌اش. اما شاید باور نکند که به خاطر شخصیت سزار، هر کس که بینی‌اش عقاب‌ی بود، قدر تمدن و با جذبه محسوب می‌شد. بینی عقابی تا مدت‌ها نشان از قدرت و نیز اصالت و به زبان امروزی، «ژن خوب» بودن داشت. اما امروز شما حداقل در اغلب شهر و دیار خودمان، کمتر کسی را می‌بینید که بینی عقابی داشته باشد، اغلب آن‌هایی که به این «ژن خوب» مبتلا بودند بینی خود را به دست جراح سپرده و به هر نحوی شده آن

را از سر- صورت- خود باز کرده‌اند و این ماجرا البته این روزها دیگر زن و مرد ندارد، خجالت هم ندارد که هیچ، یک جور پز و پرستی اجتماعی محسوب می‌شود؛ وقتی امکانش و پولش هست چرا آدم کم و کسری‌ها و حتی اضافات بدنش را تعمیر و دوباره‌سازی نکند؟! اما مشکل اساسی در مورد این تعمیرات و بازسازی‌ها، تغییر مداوم معیارهای زیبایی با ظهور سلبریتی‌ها است. هر سلبریتی که روی عقیب‌اش درخشان بود معیارهای زیبایی را به نمایش می‌گذاشت و موجب می‌شد بسیاری از زنان و برخی از مردان، تمام هم

و غم و سرمایه و دارایی خود را بر سر هر چه بیشتر شبیه شدن به آن ستاره خرج کنند؛ کما این که خود آن سلبریتی نیز بنا به اذعان کارشناسان، بیش از نیمی از درآمد خود را مدام صرف جراحی و ترمیم خود می‌کند زیرا بازار بسیار بزرگ است و هر ستاره‌ای که با به سن بگذارد و عوارض سال‌دیدی را رفع نکند، از این عرصه بیرون انداخته می‌شود. چنین است که اکنون ستاره‌هایی در سینما و موسیقی و سایر هنرهای نمایشی جهان هستند که با وجود عبور از سال‌های میان‌سالی هم چون جوانان ۳۰ ساله می‌درخشند! طرفداران این ستاره‌های ابدی، وقتی علایم‌گاه غیر قابل ترمیم پیری را در سلبریتی محبوب خود می‌بینند فریاد می‌زنند: پیر نشو لعنتی! و این «لعنتی عزیز» ناچار است تا هر کجا که امکانات پزشکی یاریش می‌کند، پیر نشود!

زیبایی طلبی یا بیماری خودکم‌بینی؟

جراحی‌های زیبایی طیف گسترده‌ای از انتخاب‌ها را شامل می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به لیفت سینه، لیپوساکشن، رینوپلاستی (عمل جراحی زیبایی بینی) و ایدومینوپلاستی (عمل جراحی برای برداشتن پوست و چربی بیش از حد در شکم) اشاره کرد. این عمل‌ها فقط مختص جوانی نیست؛ مراجعه افراد زیر ۳۰ سال برای انجام جراحی‌ها برای دستکاری صورت ۶۴ درصد افزایش یافته است. اما در سال‌های اخیر عمل‌های زیبایی از شکل متعارف خود فراتر رفته است و افراد در پی عمل‌هایی هستند که اساسا هیچ رنگ و بویی از زیبایی ندارند.



خودمان نشسته‌ایم و به این کارت ملی هوشمند با آن عکس عجیب و غریب که در همان دفتر دولت الکترونیک با وب‌کم و با آن کیفیت پایین و نور کم گرفته‌اند و هیچ شباهتی هم به خودمان ندارد، خیره می‌شویم. از این که در آغازین سال‌های هزاره سوم به کرامت این کارت با آن همه هزینه و انتظاری که به پیش گذاشتیم و آن همه انتظاراتی که به عنوان شهروندان آن داشتیم، چنین بی‌حرمتی شده، شدیداً احساس درد و اندوه می‌کنیم. قرار ما با کارت ملی هوشمند و با حقوق شهروندی‌مان این نبود. حالا هر وقت به این کارت نگاه می‌کنیم، با انتظاراتی مواجه می‌شویم که مدام دارد پایین می‌آید... پایین می‌آید و تبدیل‌مان می‌کند به شهروندی که باید برای قوت لایمونی که حق مسلمش

بسیاری از افرادی که اقدام به انجام چنین عمل‌هایی می‌کنند، از نظر فرهنگی ضعیف و بی‌ثبات‌اند. برای این جوانان انجام جراحی‌های پلاستیک نامتعارف تنها راه برای متمایز بودن است، افرادی که به انجام چنین عمل‌هایی روی می‌آورند، در پی کسب هویت جدیدی برای خود هستند

هرمزی با اشاره به فروکش کردن تب جراحی بینی، به بالا رفتن تب عمل‌های زیبایی دیگری مانند جراحی‌های فک و صورت، تزریق‌ها، جراحی‌های لیفت و لایپوساکشن اشاره می‌کند: «توهم بدریختی وابسته به یک یا دو عامل نیست. برای ریشه‌یابی این معضل روحی و روانی باید به ابعاد گوناگون زندگی فرد یا گروه‌هایی که به آن دچار هستند پرداخته شود. به صورت جزئی، شرایط خانوادگی فرد و خاستگاه اجتماعی او تاثیر بسزایی در بروز چنین ذهنی دارد. عموماً افرادی که از اعتماد به نفس قوی ندارند و دچار ضعف شخصیتی هستند، بیشتر دچار توهمات بدریختی می‌شوند. در کنار این موارد نباید از نقش تحقیر و قضاوت‌های اطرافیان در ارتباط با سیمما و صورت چنین افرادی به سادگی گذشت. اکثر افراد به اتفاق این افراد، حتی پس از انجام جراحی‌های زیبایی نیز با خود درگیر هستند و نمی‌توانند گروه‌های ذهنی خود را باز کنند و فکر می‌کنند پزشک و جراح نتوانسته آن طور که باید جراحی را با موفقیت انجام دهد.»

بر خورد کاسبکارانه با زیبایی
متأسفانه در این میان نباید نقش پزشکانی را که تن به خواسته‌های جوانان و گاه نوجوانان می‌دهند، نادیده گرفت. پزشکانی که صرفاً چون حق‌العمل دریافت می‌کنند، می‌پذیرند هر تغییری را که بیمار می‌خواهد بر بدن او اعمال کنند و در این مسیر گاه از لوازم و روش‌های غیراستاندارد استفاده می‌کنند و موجب بروز عوارض جبران‌ناپذیری روی چهره و بدن بیمار خود می‌شوند. در حالی که پیش شرط هر عمل زیبایی غیر ضروری مشاوره با یک روان‌کاواست تا مشخص شود اساساً این فرد چرا چنین تصمیمی گرفته است و ممکن است با چند جلسه مشاوره از تصمیم خود مبنی بر جراحی زیبایی صرف نظر کند.

از گوشه و کنار

به همت معاونت زنان و خانواده صورت گرفت؛
معرفی برگزیدگان فیلم فجر
در بخش «زنان» و «خانواده»



معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر فیلم‌هایی را که به موضوع زنان و خانواده پرداخته‌اند از دو زاویه توجه به «خانواده» و «حقوق زنان» داوری خواهد کرد.

شاخص‌های مورد توجه معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور برای انتخاب فیلم برگزیده در حوزه خانواده عبارتند از: پرداختن واقع‌گرایانه به آسیب‌های خانواده با پرهیز از ترویج خشونت، ترسیم ضرورت اخلاق و عدالت در خانواده، پرداختن به عواقب نبود مهارت‌های ارتباطی در خانواده و ضرورت گفتگو و تاثیر شادی و نشاط در پایداری خانواده.

هم‌چنین شاخص‌ها برای انتخاب فیلم برگزیده در حوزه مسائل و حقوق زنان عبارتند از: دفاع از هویت زن در خانواده و جامعه صرف نظر از مادر یا همسر بودن، ترسیم نقش‌های چندگانه زن ایرانی، بیان واقع‌گرایانه آسیب‌های موجود در جامعه زنان، ترسیم چهره مادرانه موفق، ترسیم چهره همسری موفق و ارائه راهکارها برای کاهش آسیب‌های جامعه زنان.

شیرین احمدنیا، طهورا ابوالقاسمی و اشرف گرمای‌زادگان فیلم‌های سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر را در بخش تجلی‌اراده ملی از زاویه نگاه «زنان» و «خانواده» داوری می‌کنند.

بر اساس این گزارش در مراسم اختتامیه سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر دو فیلم برگزیده در دو حوزه «خانواده» و «زنان» مورد تقدیر و اعطای جایزه قرار خواهند گرفت.

هم‌زمان با روز جهانی سرطان اعلام شد فراخوان اهدای «پلاکت» برای درمان مبتلایان سرطان



مدیرعامل سازمان انتقال خون با بیان این که برای پاسخ به نیاز بیماران سرطانی هیچ راهی به جز اهدای مستقیم پلاکت ندارد، گفت: باید توجه کرد که هر فرد می‌تواند ۲۰ بار در سال پلاکتش را اهدا کند.

دکتر علی‌اکبر پورفتح‌الله گفت: باید توجه کرد که در کشور سالانه یک میلیون و ۷۰۰ هزار واحد پلاکت تولید و مصرف می‌شود که ۷۰ درصد پلاکت‌های تولیدی هم برای بیماران سرطانی استفاده می‌شود.

وی با بیان این که میزان تولید پلاکت در کشور طی ۱۰ سال گذشته از ۴۰۰ هزار واحد به یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد رسیده است، افزود: برای پاسخ به نیاز بیماران سرطانی هیچ راهی به جز اهدای مستقیم پلاکت و جداسازی مستقیم پلاکت‌ها از خون اهدا کننده نداریم.

روش اهدای مستقیم پلاکت در مقایسه با اهدای خون زمان طولانی‌تری از اهداکننده می‌گیرد، اما محصولی با کیفیت‌تر را در اختیار بیمار قرار می‌دهد.

پورفتح‌الله تاکید کرد: اهدای پلاکت، مانند اهدای گلبول قرمز محدودیت اهدای چهار بار در سال را ندارد و هر فرد می‌تواند ۲۰ بار در سال پلاکتش را اهدا کند.

بر این اساس مردم را به انجام یک کار خیر، نذر اهدای پلاکت و تجربه اهدای مستقیم پلاکت که زیرساخت آن را در تمام مراکز استانی انتقال خون کشور فراهم کرده‌ایم، دعوت می‌کنم.

یادداشت

انتخاب اصلح «هوشمندانه»

آسیه ویسی

هیچ کدام از این کارت‌ها «هوشمند» نبود و همه با دست تایپ می‌شد و مهر دستی می‌خورد و روی همه آن‌ها عکس پرسنلی سیاه و سفید الصاق می‌شد. برای گرفتن همان عکس سیاه و سفید سه در چهار هم عکاس کلی‌چپ و راست و بالا و پایین‌مان می‌کرد تا بالاخره یک اثر هنری از پرتره ما بیافریند که الحق هم این اتفاق می‌افتاد! حالا زمانه عوض شده، همه ما کارت ملی داریم و حتماً تا آخر امسال کارت ملی‌های معمولی‌مان باید به «کارت ملی هوشمند» تبدیل شود؛ کارتی که قرار بود و هست جای چندین و چند کارت را بگیرد؛ از کارت

نمی‌دانم چند درصد از آنانی که این روزها برای گرفتن گوشت در میادین تره‌بار صف می‌ایستند و بعد از ساعت‌ها انتظار، برای مقداری گوشت، «کارت ملی» ارائه می‌کنند، دوران جنگ، کوپن و دفترچه‌های بسیج اقتصادی را به خاطر دارند. آن مردم فقط شناسنامه داشتند و یک کارت شناسایی از جایی که در آن مشغول به کار بودند؛ البته اگر کارمند یا کارگر دولت بودند. دانش‌آموزان هم کارت مدرسه داشتند. خیلی‌ها کارت عضویت کتابخانه هم داشتند و صد البته که